جاودان خرد

بازگویی و گزارش پاره‌هایی پندآمیز از نثرهای کهن پارسی (۳)

علی باقریان

از یادداشت‌های پیشین تا حدی روشن شد که منصوربن نوح سامانی چه خدماتی به زبان فارسی کرده است، اما گستره این خدمات چندان است که همچنان می‌شود از آن‌ها نوشت. او «مَلِکی بزرگوار و دانا و حکمت‌شناس و حق‌دان و دانش‌جوی و دادِدِه و سخی‌دست و کریم‌طبع و سخن‌دان و زائرنواز و یزدان‌پرست و هنروَرز» بود. این صفات را حکیم موفق‌الدین ابومنصور علی هروی به این شاه داده است که خودش هم، اگرچه در زمانه «کسادی علم و کمی طالبان»، «ازبهر خزانه اوی» اثری در داروشناسی تألیف یا ترجمه کرده است. این کتاب را که «روضةُ ٱلْأنسِ و منفعةُ ٱلنّفس» یا «ألأبنیَةُ عن حقائقِ ٱلْأدویَة» (بگوییم: «بنیان‌های شناخت چیستی داروها») نام دارد ابومنصور، چنان که برمی‌آید، در سال‌های حکمرانی منصور (۳۵۰-۳۶۵) تألیف کرده و در آن، ذیل ۵۸۴ مدخل، به‌ترتیب الفبایی، آثار و سودها و زیان‌های همه خوراک‌ها و داروهایی را که می‌شناخته است، همچنین گرمی یا سردی و تری یا خشکی آن‌ها را، توضیح داده است، از انواع سنگ‌ها و آب‌ها و روغن‌ها و گوشت‌ها گرفته تا گیاهانی مثل «جفت‌آفرید» و «هِزارجَشان» که احتمالا بسیاری از ما تا به‌حال حتی اسمشان را هم نشنیده‌ایم. او پس از آن قصد چنین کاری را کرده است که همه مکتوبات این حوزه را دیده و آن‌ها را ناقص یا مختصر یافته است. مؤلف برای این کار ظاهرا حتی به هندوستان هم سفر کرده است، سرزمینی که همواره به تنوع گونه‌های گیاهی مشهور بوده است. جز اینکه برخی مطالب «ابنیه» از نظر قواعد طب سنتی همچنان معتبرند، گنجینه واژه‌های فارسی آن هم ارزش بسیار دارد. ابومنصور، ضمنا، نکاتی نظری را در اثر خودش طرح کرده است که دانستن آن‌ها برای همه طالبان معرفت سودمند است. مرور نقادانه او بر اختلاف نظر اطبای هند و روم بر سر اینکه از میان غلات گندم بهتر است یا برنج حاوی چنین نکاتی است.

●●●

«میانِ حکمای هند و روم خلاف است اندر کُرَنج و گندم: حکمای هند کرنج را بر گندم تفضیل دادند، به‌بسیاریِ خصلت‌های پسندیده: یکی آنکه در وی قبضی هست (و هرآنچه در وی قبض باشد معده را قوت دهد و اَحشای مردم را قوی دارد. و عالم مُتّفق است بر آنچه در کرنج قبض است و در گندم نرمی)، و بوی دهان خوش گرداند و معده قوی دارد و زود مُتغیّر نگردد چون گندم؛ و اگر او را در پوست بگذارند جایی که نم بِدو نرسد، ابدالدّهر بماند؛ و گندم به‌خلافِ این است. و حکمای روم گفتند فضیلتِ گندم بر کرنج آن است که با تنِ مردم موافقت کند، زیرا که هرچه خدای ـ تعالیٰ ـ بیافریده است، از خوردنی‌ها، مردم، چون خوردنِ آن را مداومت کند یا بارها بخورد، ملال گیرد، جز گندم که، اگر مردی صد سال بزیَد و غذا جز گندم نخورَد، ملال نگیرد؛ و این از ایشان خطاست، از بهرِ آنکه میلِ طبعِ مردم بِدان گراید که عادت کرده باشد و آفرینَش بِدان بوده؛ نبینی قومی از عرب و ترک و هند و روم و غیرِ ایشان از آدمی، چون گوشت و شیر خوردن به‌عادت کرده باشند و چیزی دگر نشناسند چون گوشت و شیر، میل به چیزی دیگر نکنند و گر وقتی این غذا از ایشان بریده آید، از حال بشوند و آرزو همان کنند و آن چیز که جز آن بُوَد نخواهند، از آنکه عادت نکرده‌اند؟! و بیشترِ مردمِ هندوستان کرنج به غذا کرده‌اند خود را و بر آن هیچ چیز اختیار نکنند، و باشد که مردی صد سال بزیَد جز کرنج نشناسد.»

●●●

میان دانشمندان هند و روم دربارهٔ اینکه برنج بهتر است یا گندم ناسازگاری است. دانشمندان هند برنج را، برای پرشمار بودن ویژگی‌های خوبش، برتر از گندم دانسته‌اند، یکی اینکه برنج گونه‌ای خشکی دارد (و هرچه در آن خشکی باشد معده را نیرو می‌بخشد و بخش‌های درون شکم مردم را نیرومند می‌گرداند. و همه در اینکه برنج خشکی دارد و گندم نرمی همداستان‌اند)، و دهان را خوشبو می‌کند و معده را نیرومند می‌گرداند و همچون گندم زود دگرگون نمی‌شود؛ اگر برنج را با پوست در جایی بگذارند که نم به آن نرسد، همواره بی‌آسیب و گزند می‌ماند؛ و گندم واروی این است. دانشمندان روم [که جور دیگری می‌اندیشند] گفته‌اند برتری گندم بر برنج برای آن است که با تن مردم سازگار است، زیرا از هرگونه خوردنی که خدا ـ برتر است ـ آفریده است، اگر مردم پیوسته یا بارها بخورند، زده می‌شوند، مگر گندم که، اگر کسی صد سال زندگی کند و جز گندم خوراکی نداشته باشد، زده نمی‌شود؛ و این اندیشه و داوری رومیان نادرست است، زیرا خواست سرشت مردم به خوراکی می‌گراید که با آن خو گرفته و خوب و خوش بوده است؛ نمی‌بینی که گروهی از عرب و ترک و هند و روم و جز ایشان از میان مردم، از آنجا که به خوردن گوشت و شیر خو گرفته‌اند و چیزی همچون گوشت و شیر نمی‌شناسند، به چیز دیگری نمی‌گرایند و اگر زمانی این خوراک را از ایشان بگیری، دگرگون می‌شوند و همان [گوشت و شیر] را می‌خواهند و چیزی که جز آن باشد نمی‌خواهند، برای اینکه [به آن چیز] خو نگرفته‌اند؟! و بیشتر مردم هندوستان برای خودشان با برنج خوراک درست کرده‌اند و هیچ چیزی را به‌جای آن نمی‌پذیرند، و پیش می‌آید که کسی صد سال زندگی کند و [خوراکی] جز برنج نشناسد.

●●●

«ألأبنیَةُ عن حقائقِ ٱلْأدویَة». به تصحیح احمد بهمنیار. به‌کوشش حسین محبوبی اردکانی. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۴۶. صص. ۶-۷.

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستاری

بعضی از نامه‌های اداری سابقه و پیشینه دارد که این سابقه را باید در سطر اول و بعد از آن متن نامه را نوشت.

سابقه با عبارت‌هایی مانند:

در پاسخ به....

بازگشت به نامهٔ....

عطف به نامهٔ....

پیرو نامهٔ...

می‌آید.

#زین_قند_پارسی

کتاب تازه پژوهشگر سرشناس حوزه شعر منتشر شد

هزارتوی شعر جنگ

چهره روز

کتاب «شعر جنگ به روایت غیررسمی (برگ‌هایی فراموش‌شده از تاریخ ادبیات ایران: ۱۳۷۹ _ ۱۳۵۹)» نوشته کامیار عابدی به تازگی از سوی انتشارات «جهان کتاب» منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب شانزدهمین عنوان از مجموعه «هزارتوی نوشتن» است که این ناشر چاپ می‌کند. کامیار عابدی، پژوهشگر تاریخ و ادبیات که پیش‌تر دو کتاب «مهدی حمیدی شیرازی، شاعر و عاشق» و «سیمین بهبهانی، شاعر و تکاپوگر مدنی» را با همکاری این ناشر منتشر کرده، در اثر جدید خود سراغ شعر جنگ ایران در سال‌های دفاع مقدس رفته است.

این پژوهشگر می‌گوید پس از آغاز جنگ ایران و عراق، تعدادی از شاعران جوان و میانسال کشور که به ایدئولوژی مذهبی و انقلابی تمایل داشتند، شروع به سرایش و انتشار آثار خود درباره جنگ کردند. این گرایش «شعر جنگ به روایت رسمی» است، اما در مقابل، جریان دیگری هم بود که براساس ایدئولوژی‌های ملی یا چپ یا براساس نگاه عرفی آثار زیاد و پراکنده‌ای درباره جنگ سرود. عابدی این گونه اشعار جنگ را در گروه یا جریان غیررسمی طبقه بندی می‌کند و در کتاب پیش‌رو سراغ آن رفته است.

«شعر جنگ به روایت غیررسمی» دربرگیرنده بیش از ۲۰۰ قطعه شعر سنتی و نو از حدود ۹۰ تن سراینده است. عابدی می‌گوید این آثار به‌مثابه برگ‌هایی فراموش‌شده از تاریخ ادبیات ایران هستند که در قالب این کتاب چاپ شده و در دسترس قرار گرفته‌اند.

در نشست نقد و بررسی کتاب «مرضیه» مطرح شد

تاریخ شفاهی به دروغ و گره نیازی ندارد

گروه فرهنگ و ادبیات

گزارش نشست

نشست نقد و بررسی کتاب «مرضیه» روایت زندگی مرضیه میررضایی، مادر شهید مدافع حرم محمود تقی‌پور، به پژوهشگری زهرا عاشوری و تدوینگری لطیفه نجاتی با حضور علیرضا مهرداد، نویسنده و منتقد ادبی انقلابی در حسینیه هنر برگزار شد. علیرضا مهرداد درباره شناسایی نقاط مفقود کتاب «مرضیه» گفت: درباره کتاب «مرضیه» سهم راوی، مصاحبه‌گر و تدوین‌گر چه اندازه است؛ به‌عبارت دیگر جذابیت داستان چه اندازه به راوی و نویسنده مرتبط است. این نکته نقطه مفقوده کتاب محسوب می‌شود. وی با تأکید بر اهمیت مؤلفه ساختاربندی در داستان ادامه داد: گاهی سوژه به اندازه‌ای جذاب است که نویسنده کار خاصی انجام نمی‌دهد؛ چراکه راوی، خاطره‌گوی خوبی است و جذابیت خود را دارد، اما برخی اوقات در مقابل راوی، خاطره‌گو نیست؛ بنابراین مصاحبه‌گر و نویسنده تلاش فراوان انجام می‌دهند ظرف و مطلب تهیه کنند تا داستان کششی داشته باشد.

طراحی و شروع مناسب؛ ویژگی برجسته «کتاب مرضیه»

مهرداد طراحی زیبا را نکته مثبت کتاب «مرضیه» ارزیابی کرد و گفت: قلم و نوآوری نویسنده مشهود و یکی از عناصر مهم این کتاب، طراحی و آغاز و نقطه شروع خوب است. این نویسنده با اشاره به اینکه مخاطب زمانی که کتاب را باز می‌کند، باید وارد داستان شود، ادامه داد: متأسفانه کتاب‌های ارزشی، سرشار از مقدمه است، البته نقطه ضعف آن‌ها محسوب می‌شود، چراکه مخاطب را خسته می‌کند. به این مهم توجه کنیم که هراندازه فاصله مخاطب با اصل کتاب زیاد باشد، ارزش کتاب را از بین خواهیم برد. به گزارش «ایبنا» او در ادامه افزود: در کتاب «مرضیه» زمانی که مخاطب کتاب را باز می‌کند با داستان درگیر می‌شود و پاراگراف اول، کار مقدمه را انجام داده است. شاید برخی ایراد بگیرند که شروع سنگینی دارد؛ درحالی که برای مطالب سنگین این مقدمه ضروری است. این نویسنده انقلابی ادامه داد: در ابتدای کتاب می‌خوانیم: «موقع خداحافظی، مامان با دایی رفت و من با آقا جان و مادربزرگ، صبح آن روز با هم از خانه راه افتادیم و وقتی رسیدیم کنار دریا، دایی و عمه و خاله قبل از ما آمده بودند. کم کم داشتیم به غروب نزدیک می‌شدیم؛ از آن غروب‌های دلگیر، خورشید سرخ‌تر از همیشه به‌چشمم می‌آمد. دریا جای اینکه آرامم کند دل شوره توی دلم انداخته بود.» وی آموزش اجتماعی، تربیتی و اخلاقی را از دیگر نکات کتاب «مرضیه» دانست و گفت: در این کتاب، آموزش شیوه برخورد با طلاق، شیوه برخورد با نامادری، شیوه برخورد با دختر و پدر و استاد و شاگرد آموزش داده می‌شود.

مهرداد افزود: زمانی که با تاریخ شفاهی زنان انقلاب مواجه هستید، یعنی با داستان و رمان رو به رو نیستید. این آثار درصدد بیان حقیقت تاریخی هستند. برخی اعتقاد دارند، برای جذابیت مستند از دروغ و گره استفاده کنید؛ درحالی که این روش، مستند را به قهقرا می‌برد. مخاطب از دور که نگاه می‌کند، فکر می‌کند نویسنده، هرآنچه مرضیه صحبت کرده را از ابتدا تا انتها نوشته؛ درحالی که سخنان او جابه‌جا شده است. نویسنده در کتاب «مرضیه» ساختاربندی و صحبت‌ها را جابه‌جا کرده است و این نقطه قوت آن محسوب می‌شود.

> علیرضا مهرداد: زمانی که با تاریخ شفاهی زنان انقلاب رو به رو هستید، یعنی با داستان و رمان مواجه نیستید. این آثار درصدد بیان حقیقت تاریخی هستند. برخی اعتقاد دارند، برای جذابیت مستند از دروغ و گره استفاده کنید؛ درحالی که این روش، مستند را به قهقرا می‌برد

هویت بازیافته مرضیه

درادامه جلینی، مدیرنشر ستاره، گفت: در «کتاب مرضیه» هویت بازیافته و سبک زندگی اسلامی را شاهد هستیم. در دوره‌ای که دنبال ارائه الگوی مناسب هستیم، «مرضیه» یک بانوی نمونه را ارائه می‌دهد؛ شخصی که در حال رشد است و به یک کنشگر اجتماعی تبدیل می‌شود.

در زندگی هر فردی داستان‌های شنیدنی وجود دارد

مرضیه میررضایی، شخصیت اصلی کتاب «مرضیه» گفت: هر زندگی اگر به درستی نگارش شود برای خود داستان‌های شنیدنی دارد. برای این کتاب، زحمت بسیار کشیده شد و از قلم کتاب بسیار رضایت داشتم. امید است برای نسل جوان اثرگذار باشد.

«مرضیه» تلنگری در ذهن من ایجاد کرد

نجاتی، تدوینگر کتاب نیز در ادامه این نشست اظهار کرد: «مرضیه» نخستین کتاب من است. خانم عاشورایی به‌عنوان محقق و ماه پری در ارزیابی به من کمک کردند. به خاطر تغییر فصل‌ها، در ساختاربندی کتاب «مرضیه» بررسی دوباره انجام شد. قصد داشتیم مادر شهید بودن مرضیه مخفی بماند و روی جلد نامی از شهید و مادر شهید آورده نشود و به همین علت، بخش آخر به این موضوع اشاره شده است.

تدوینگر کتاب «مرضیه» در پاسخ به این پرسش که این کتاب چه تأثیری بر شما گذاشت، گفت: شروع کار این پروژه هم‌زمان با مادر شدن من بود؛ صبر مرضیه به‌عنوان مادری مسئولیت‌پذیر در فراز و نشیب زندگی تأثیر بسیاری بر زندگی من گذاشت. این کتاب گاه به گاه تلنگر بود که تو شخصیت کسی را تدوین می‌کنی که بحران‌ها را مدیریت کرده است و باید صبور باشی؛ علاوه بر این یادآوری این نکته که توان یک مادر بسیار زیاد است و بهانه نمی‌شود در وظایف و نقش‌ها کم بگذارد.

معرفی کتاب

تاریخ معاصر بدون حواشی

چند خطی درباره «کار من بود؛ چگونه مشروطه به کودتا ختم شد؟»

کتاب «کار من بود؛ چگونه مشروطه به کودتا ختم شد؟» اولین جلد از عنوان‌های انتشارات «راه یار» در رده کتاب‌های «روزگار ایران» است که در جلدهای بعدی قرار است یک دور تاریخ پهلوی را از زمینه‌های سقوط قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی روایت کند. این مجموعه، بیشتر بر تاریخ روایی به جای تاریخ تحلیلی تکیه دارد. علاوه بر این، تلاش دارد در کنار رعایت گزیده گویی و پرهیز از جزئیات و حواشی نامربوط، گفتنی‌های تاریخ پهلوی را هم از قلم نیندازد. طرح اصلی این مجموعه، روایت تاریخ پهلوی با تکیه بر روایت شفاهی رجال سیاسی و نظامی این دوران است. تاریخ شفاهی در مقایسه با گونه‌های دیگر روایت تاریخ، ویژگی‌های ممتازی دارد که می‌توان این ویژگی‌ها را در این مجموعه هم دید. پرداختن به جزئیات اتفاقات، روایت انسانی تاریخ با اشاره به انگیزه‌ها و احساسات بازیگران، برخورداری از زبانی صمیمی و ساده در روایت، حفظ بازتاب شخصیت بازیگران در روایت‌ها و... بخشی از این ویژگی‌هاست. این کتاب را به تازگی نشر «راه یار» وابسته به جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی منتشر کرده است.

فتنه‌های شبه علم

معرفی کتاب «شبه علم چیست؟»

در جهان عجیب و پر فتنه و فریبی زندگی می‌کنیم؛ جهانی پر از اطلاعات نادرست، تبلیغات دروغین، تعصب، افسانه، فریب و نیرنگ. این اطلاعات نادرست به سرعت هم در جهان واقعی و هم در فضای دیجیتال انتشار یافته است و حقیقت انگاشته می‌شوند. در این عصر دیجیتال که اطلاعات درست و نادرست در هم آمیخته‌اند و تبلیغات گوناگونِ قدرت‌های مالی و سیاسی جهانی می‌کوشند حقیقت را با کذب بیامیزند تا از آن بهره‌برداری کنند، درست فکر کردن و درست استدلال کردن به شیوه منطقی و عقلانی مهم‌ترین مهارتی است که می‌توانیم به دست آوریم. این تبلیغات فقط جنبه سیاسی ندارد، بلکه همه زمینه‌های زندگی ما را می‌پوشاند. مطالب شبه‌علمی و خرافی یکی از آن‌هاست. در این کتاب سعی می‌کنیم نشان دهیم چگونه غیر علم، ضد علم و شبه‌علم را از علم راستین بازشناسیم و چگونه با تفکر انتقادی از اینکه خود را فریب دهیم یا دیگران ما را فریب دهند جلوگیری کنیم. فصل اول تا سیزدهم درباره شیوه‌های درست اندیشیدن و تفکر انتقادی و موضوع‌های شبه‌علمی و شبه‌عرفانی است، فصل چهاردهم تا هفدهم درباره موضوع‌های شبه‌پزشکی و پزشک‌نماها و روش‌های درمانی دروغین است.

شنبه‌ها با شاهنامه فردوسی ۴۶

دکتر یوسف بینا
شاعر و پژوهشگر

یکی کودکی فرخ آمد پدید
کنون تخت بر ابر باید کشید
جهان گشت از آن خُرد پر گفت‌وگوی
کز آن گونه نشنید کس روی و موی
جهاندار نامش سیاوخش کرد
بر او چرخ گردنده را بخش کرد
به رستم سپردش دل‌ودیده را
جهانجوی گرد پسندیده را
تهمتن ببردش به زاولستان
نشستنگهش ساخت در گلستان
هنرها بیاموختش سربه‌سر
بسی رنج برداشت وآمد به‌بر
سیاوش چنان شد که اندر جهان
همانند او کس نبود از مهان

یکی از شخصیت‌های ویژه در حماسه ملی ایران که نه فقط در شاهنامه فردوسی بلکه در نمودهای گوناگون فرهنگ ایران نیز یکی از انسان‌های متعالی به شمار می‌آید، «سیاوش» است که در شاهنامه بیشتر با عنوان «سیاوخش» آمده است. «سیاوش» فرزند کاوس‌شاه از مادری پری‌وار است که از بدو تولد با زیبایی شگفت‌انگیز شناخته می‌شود و او را از کودکی به «رستم» می‌سپارند تا جهان‌پهلوان ایران دایگی‌اش را برعهده بگیرد و هنرهای رزم و بزم شاهانه را به او بیاموزد. «سیاوش» با نژادگی ویژه‌ای که دارد و افزون بر آن با فضیلت‌هایی که از رستم می‌آموزد، در جوانی برترین انسان ایرانی و شایسته‌ترین فرد برای تصدی مقام پادشاهی ایران می‌شود، اما حوادث زندگی‌اش طوری رقم می‌خورد که به این مقام نمی‌رسد و آوارگی در دیار غربت را به‌ناچار می‌پذیرد و دور از وطن با مظلومیت به‌قتل می‌رسد.

«زاده شدن سیاوش»، «عشق آوردن مادر ناتنی‌اش سوداوه به او»، «گذر از آتش برای اثبات بی‌گناهی»، «رفتن از ایران به ترکستان به نزد افراسیاب که دشمن ایران است»، «ازدواج با دختر افراسیاب»، «شهرساختن در ترکستان»، «کشته شدن به دست افراسیاب»، «روییدن درخت از آنجا که خونش به زمین ریخته است»، «زاده شدن فرزندش به نام کیخسرو» و «انتقام‌گرفتن رستم از سوداوه و تورانیان به خون‌خواهی سیاوش» بخش‌های زیبای این داستان بلند در شاهنامه هستند که برخی از آن‌ها در فرهنگ عامه ایران نیز در طول تاریخ به آیین‌های مردمی جاودانه‌ای تبدیل شده‌اند و هنوز مردم برخی مناطق ایران این آیین‌ها را بزرگ می‌دارند. اما یکی از مهم‌ترین تحلیل‌هایی که می‌توان از این داستان زیبا و دیرینه ارائه داد، در ساحت اندیشهٔ سیاسی شاهنامه فردوسی است. «سیاوش» انسانی است که همه ویژگی‌های ذاتی و فضیلت‌های اکتسابی لازم برای رسیدن به مقام «شاهی آرمانی» ایرانی را دارد، اما هرگز به چنین مقامی نمی‌رسد. در حقیقت او فرمانروای بالقوه ایرانیان است، هرچند این فرمانروایی بالفعل نمی‌شود. با این حال وجود او از این منظر که باید تداوم‌دهنده نسل شاهان آرمانی ایرانی باشد مهم است، چون علی‌رغم ناکامی و سرنوشت تلخ، «کیخسرو» که آرمانی‌ترین شاه در حماسه ملی ایران است، فرزند اوست و فرمانروایی بالقوه پدرش را بالفعل می‌کند.